

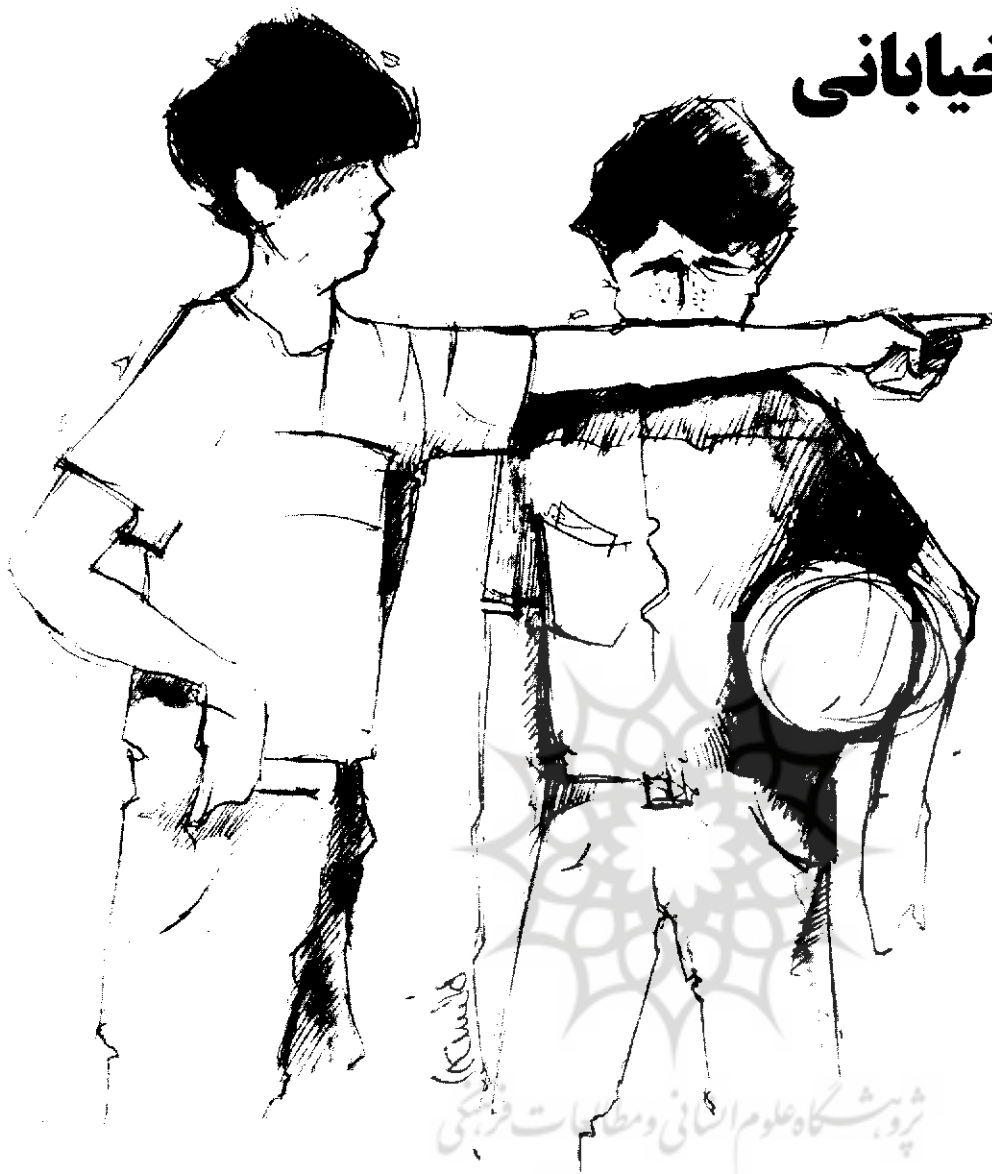
# کودکان خیابانی

## تهدیدی

## برای

## امنیت

## اجتماعی



حمیدرضا جعفری - امیر قمرانی

دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد روان‌شناسی - دانشگاه شیراز

### مقدمه:

فرهنگی و امنیت اجتماعی اشاره کرد. مورد اخیر، یعنی امنیت اجتماعی، به رغم داشتن سابقه تاریخی، متعاقب حوادثی از قبیل: کاهش کنترل حکومت‌ها بر جوامع خود، ظهور جنبش‌های جدایی طلب فروملی، افزایش روز افزون مهاجرت، مسائل مربوط به پناهندگان، اعتراض به تفاوت فاحش فقیر و غنی، افزایش جرایم، بروز جنگ‌های ناخواسته و خانمان برانداز، جهانی شدن و

جامعه‌شناسان، سیاستمداران و روان‌شناسان، نیاز به امنیت را به عنوان یکی از نیازهای اولیه انسان‌ها در نظر می‌گیرند و معتقدند در صورتی که این نیاز به صورت مناسب ارضا نشود، تبعاتی برای فرد و جامعه به همراه خواهد داشت. امنیت در داخل جامعه در سطوح مختلف مطرح است: از فرد تا خانواده، قبیله، شهر، جامعه ملی و بالاخره نظام جهانی. امنیت ابعاد مختلفی دارد که از آن جمله می‌توان به امنیت سیاسی، امنیت قضایی، امنیت شغلی، امنیت روانی، امنیت

سوء تغذیه، احساس  
بی کفایتی و بی ارزشی  
(احساس طفیلی بودن)،  
پیشرفت تحصیلی ضعیف،  
پر خاشنگری، افسردگی،  
ناپختگی عاطفی، آسیب های  
جسمانی، همه و همه از  
پیامدهای خیابانی شدن است.  
خیابانی شدن حس تعلق به  
دیگران و به زندگی را از فرد  
می گیرد. نسلی که این گونه  
پرورش بیابد مسلماً در  
وضعیت اجتماعی و اخلاقی  
کشور تأثیرات سوئی  
می گذارد.



تحریف فرهنگ ها و... از جایگاه جدید و خاصی در کنار ابعاد دیگر امنیت برخوردار شده است. در نگاه جدید به امنیت اجتماعی، به سؤال امنیت برای چه کسی یا به بیان دیگر هدف و مرجع امنیت و تهدیدات آن پرداخته می شود. تهدید امنیت اجتماعی، تهدید هویت گروه های اجتماعی است و باعث از هم گسیختگی گروه ها و دسته های اجتماعی می شود. امروزه عوامل تهدید کننده امنیت اجتماعی چندان گسترده و پیچیده گردیده است که توجه به آن ها اهمیت ویژه ای در مباحث علم جامعه شناسی یافته است.

در این میان یکی از عواملی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم، امنیت اجتماعی را با تهدید مواجه می سازد، پدیده نوظهوری به نام «کودک خیابانی» است. کودک خیابانی کودکی است که تمام یا قسمتی از وقت خود را در خیابان می گذراند، خیابان منبع معاش اوست و از وی به طور شایسته و مطلوب نگهداری نمی شود. (زارع مهرجردی، ۱۳۸۰؛ نجم عراقی، ۱۳۸۲؛ کارنیک، ۲۰۰۳) آمارهای موجود حاکی از آن است که در حال حاضر بیش از صد میلیون

کودک خیابانی در جهان وجود دارد. (یونیسف، ۲۰۰۳، به نقل از بیزلی، ۲۰۰۳) صرف نظر از محرومیت ها و مشکلاتی که این کودکان دارند، تأثیرات عمیق و مخربی که رفتار آن ها بر جامعه و زندگی افراد به جا می گذارد، ضرورت توجه و شناخت آن ها را بیش از پیش آشکار می سازد.

### امنیت

امنیت آن نه تنها برای انسان، بلکه برای کلیه جانداران نیز ارزش حیاتی دارد. خداوند ابزارهای امنیتی را به صورت فطری و غریزی در همه جانداران به ودیعه گذارده است؛ فرار، مخفی شدن یا مقابله با خطرها، استفاده از پناهگاه یا سرپناه، گرایش به زندگی گروهی و... نمونه هایی از این مواردند. در زندگی انسان، امنیت از جایگاه ویژه ای برخوردار است. آبراهام مزلو امنیت را یکی از نیازهای مهم انسان می داند. وی در هرم نیازهای مختلف انسان، امنیت را فراتر از رضای نیازهای زیستی و جسمانی قرار می دهد. البته امنیت

در انسان‌ها طیف وسیعی از امنیت قضایی، سیاسی، شغلی، فرهنگی، روانی و اجتماعی را شامل می‌شود. (علیمی، ۱۳۷۳ ص ۵-۲)

تأمین امنیت، خصوصاً امنیت اجتماعی، در سایه توجه به ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه حاصل می‌گردد، به گونه‌ای که از این قلمروها، به عنوان نیروهای مولد در امنیت اجتماعی یاد می‌شود. (قانع بصیری، ۱۳۸۰) امنیت اجتماعی مقوله‌ای است که افراد، گروه‌های اجتماعی و دولت به همراه یکدیگر در تأمین آن سهیم‌اند. گروه‌های مذهبی، جنسی، نژادی، سنی، قومی و ملی از جمله گروه‌های اجتماعی‌اند که جایی برای خود در فاصله بین فرد و دولت تشکیل داده و الگوی امنیت را از حالت قطبی ساده بین فرد و دولت خارج کرده‌اند. از این رو تعاریف مربوط به امنیت اجتماعی، معطوف به حفظ و بقای ویژگی‌های بنیادی و اساسی گروه‌های اجتماعی است.

تأمین امنیت اجتماعی نیازمند رفع عوامل تهدیدکننده آن است. عوامل تهدیدکننده امنیت اجتماعی گستره وسیعی را در بر می‌گیرند؛ مهاجرت بیش از حد، توسعه حاشیه‌نشینی، افزایش بی‌رویه جمعیت شهرها، افزایش طلاق، بیکاری، اعتیاد، افزایش فحشا و روسپیگری، دزدی، قتل و جنایت، افزایش باندهای قاچاق انسان و مواد مخدر، بزهکاری و بزه‌دیدگی، افزایش جمعیت کودکان خیابانی و دختران فراری و... از جمله عواملی‌اند که می‌توانند به صورت

مستقیم و غیرمستقیم امنیت اجتماعی را به مخاطره بیندازند. همان‌گونه که اشاره شد کودک خیابانی منشاء ناامنی و بی‌ثباتی است و تهدیدهای مخربی متوجه بیکره اجتماع می‌سازد، از این رو در ادامه مقاله به بحث و بررسی درباره پدیده کودک خیابانی و علل پدیدآیی آن می‌پردازیم.

### کودک خیابانی

مسئله «کودکان خیابانی»<sup>۴</sup> به عنوان یک مشکل اجتماعی نسبتاً تازه شناخته شده‌ای است که در همه جوامع به نوعی قابل مشاهده است. کودک خیابانی کودکی است که تمام یا قسمتی از وقت - نه اوقات فراغت - خود را در خیابان می‌گذراند، خیابان منبع معاش اوست و از وی به طور شایسته و مطلوب نگهداری نمی‌شود. (زارع مهرجردی، ۱۳۸۰؛ نجم عراقی، ۱۳۸۲؛ کارنیک، ۲۰۰۳) این کودکان به طور کامل یا جزئی پیوندهای خانوادگی را از دست داده و به فعالیت‌های گوناگون برای بقا در خیابان‌ها مشغول‌اند.

مهاجرت بیش از حد، توسعه حاشیه‌نشینی، افزایش بی‌رویه جمعیت شهرها، افزایش طلاق، بیکاری، اعتیاد، افزایش فحشا و روسپیگری، دزدی، قتل و جنایت، افزایش باندهای قاچاق انسان و مواد مخدر، بزهکاری و بزه‌دیدگی، افزایش جمعیت کودکان خیابانی و دختران فراری و... از جمله عواملی‌اند که می‌توانند به صورت مستقیم و غیرمستقیم امنیت اجتماعی را به مخاطره بیندازند.



آسیایی به سر می‌برند. در این میان آفریقا با بیش از ۵ میلیون کودک خیابانی در رتبه بالایی از لحاظ جمعیتی قرار دارد. (اکتول ۶، ۱۹۹۵).

در کشور ما به دلایلی چون تعاریف مختلف، دقت ناکافی آمارگیری‌ها و دشواری در جمع‌آوری داده‌ها، آمار دقیقی از این کودکان در دست نیست، ولی آمارهای موجود حاکی از آن است که حدود یک میلیون و دویست هزار کودک خیابانی وجود دارند، که بیش‌ترین آن‌ها در شهر تهران و مشهد به سر می‌برند. (روزنامه کیهان، ۱۳۸۲) البته در کشور ما به این کودکان «کودکان کارتنی» نیز لقب داده‌اند. در بین این جمعیت، آمار پسران نسبت به دخترها حدود سه برابر است. از آن‌جا که بیش‌تر جمعیت کشور ما را گروه‌های سنی زیر ۲۵ سال تشکیل می‌دهند، ناکارآمدی در برنامه‌ریزی‌ها، مشکلات بسیار زیادی را در این مقوله بر کشور تحمیل می‌کند، چرا که در بعضی از موارد، شرایط محیطی به تشدید معضل «کودک خیابانی» می‌انجامد. در واقع بذری که در خانواده تولید شده، در اجتماع پرورش می‌یابد.

دلایلی چون جمعیت روبه افزایش این کودکان، محرومیت‌هایی که آنان با آن دست به‌گریبان‌اند، شرایط نامناسب زندگی و آسیب‌هایی که بر آنان تحمیل می‌گردد، ضرورت توجه به این کودکان را بیش‌از پیش محسوس می‌نماید. (احدی و همکاران، ۱۳۸۲، ص ص ۲۸۶-۲۵۹)

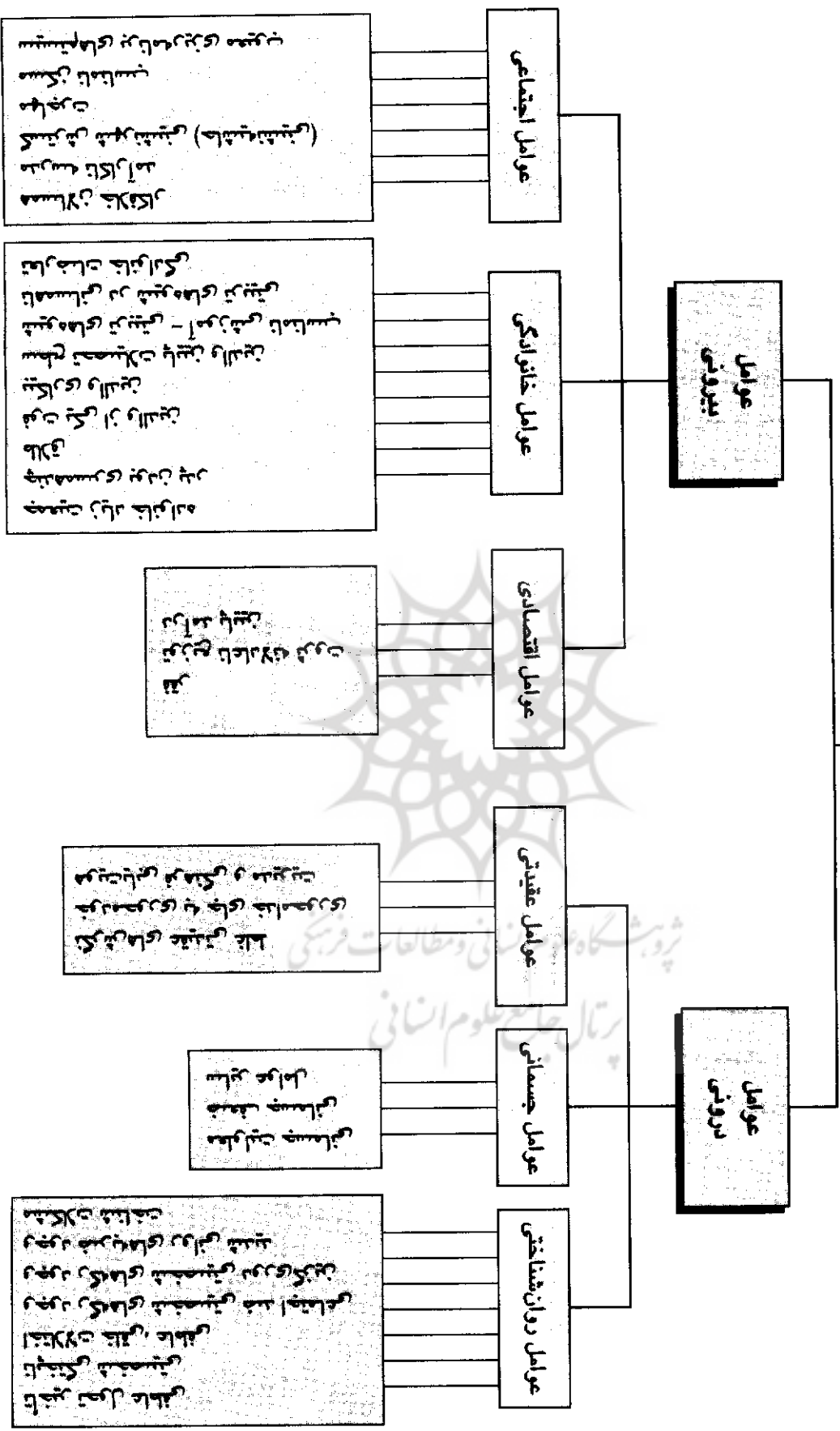
نظارت بیش‌تر خانواده‌ها  
بر امور مختلف فرزند خود از  
جمله: وضعیت تحصیلی،  
اخلاق و انضباط، رفت و  
آمدها، دخل و خرج، چگونگی  
گذران اوقات فراغت و برقراری  
ارتباط مستمر با مدرسه؛  
چالش‌های فراروی رفتار  
کودک را کاهش می‌دهد.

یونیسف در تعریف خود از کودکان خیابانی به دو مقوله یا طبقه اصلی اشاره می‌کند: «کودکان در خیابان» و «کودکان خیابانی». «کودکان در خیابان» معمولاً در طول روز در خیابان به سر می‌برند و شب‌ها به خانه بر می‌گردند. این گروه از کودکان برای کمک به معاش خانواده خود به مشاغل کوچک مشغول و گاهی نیز بیکارند. اما «کودکان خیابانی» به کودکانی گفته می‌شود که در خیابان زندگی می‌کنند، در آن می‌خوابند، معیشت خویش را از خیابان فراهم می‌سازند، روابط بسیار کمی با خانواده خود دارند یا روابط خود را با آن قطع کرده یا اصلاً خانواده‌ای ندارند.

براساس آمارهای موجود، در حال حاضر بیش از صد میلیون کودک خیابانی در جهان وجود دارد که نیمی از آن‌ها در کشورهای آمریکای لاتین و بقیه در کشورهای آفریقایی و



عوامل پدید آیی کودکان خدایمان



نمودار (۱)

عواملی که موجب خیابانی شدن کودکان می شود، بر حسب گروه های خیابانی متفاوت است. در مجموع عوامل تأثیرگذار را می توان به دو گروه عوامل درونی و عوامل بیرونی تقسیم بندی کرد. این دو گروه عوامل در تعامل با یکدیگرند، به عبارتی این عوامل می توانند تأثیرات یکدیگر را خنثی یا تشدید کنند. در نمودار (۱) مهم ترین عواملی که در

مواجه می کنند. (ماهر، ۱۳۸۲)  
بسیاری از تحقیقات حاکی از آن است که صرف نظر از تهدیدات اجتماعی، این کودکان در بدترین شرایط روحی - روانی، جسمانی و اجتماعی قرار دارند. (قاسم زاده، ۱۳۷۷؛ صالح، ۱۳۷۹؛ احمد خانیها و دیگران، ۱۳۸۱؛ اسمیت و همکاران<sup>۷</sup>، ۱۹۹۷؛ آیدان<sup>۸</sup>، ۱۹۹۷؛ لالر<sup>۹</sup>، ۱۹۹۹؛ تراسل<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۹؛



بروز این پدیده اجتماعی تأثیر گذارند، آمده است.

صرف نظر از عوامل ایجاد کننده، کودکان خیابانی به خودی خود منشأ بی ثباتی اند. چرا که بسیاری از تنش ها و آشوب های اجتماع را همین افرادی که به نحوی از انحاء دستخوش انحرافات گردیده اند، شکل می دهند. تهدیدات اینان از دو بعد درون فردی و بین فردی قابل بررسی است که دزدی، قتل، خشونت، آشوب های خیابانی، تکدی گری و... از آن جمله اند. اینان جذب باندهای تبهکاری، قاچاق و مواد مخدر می شوند و اجتماع را با ناامنی های روانی و اجتماعی

آدگانها<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۳؛ آلدرفر<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۳؛ چاکرابرتی<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۳؛ سالیوان<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۲؛ بیزلی، ۲۰۰۳) سوء تغذیه، احساس بی کفایتی و بی ارزشی (احساس طفیلی بودن)، پیشرفت تحصیلی ضعیف، پرخاشگری، افسردگی، ناپختگی عاطفی، آسیب های جسمانی، همه و همه از پیامدهای خیابانی شدن است. خیابانی شدن حس تعلق به دیگران و به زندگی راز فرد می گیرد. نسلی که این گونه پرورش یابد مسلماً در وضعیت اجتماعی و اخلاقی کشور تأثیرات سوئی می گذارد. اینان به ستیز فرهنگی بر خواهند خاست. بی شک کانون

## عملی کردن قوانینی که به ضرورت توجه به کودک و حقوق وی اشاره دارد، هرچند دشووار است، تأثیرات چشم‌گیری در محافظت از

## کودک و فرایند رشد وی خواهد داشت.

خانواده‌ها به نقشی که در قبال جامعه‌پذیر کردن فرزندان خود دارند، هر چه بیش تر اهمیت بورزند.

۴- پرورش مذهبی و عقیدتی و رعایت اصول آن تأثیر بسزایی در کاهش نابهنجاری‌های اجتماعی دارد، لذا آگاه کردن خانواده‌ها و مسئولین امر در زمینه پرورش روح ایمان و عقیده در نوجوانان و جوانان، هر چه بیش تر توصیه می‌گردد.

۵- برنامه‌ریزی به منظور کاهش نابرابری‌های اجتماعی و افزایش سطح آگاهی خانواده‌ها، نقطه‌امیدی برای حل بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی خانواده‌هاست و بسیاری از تنش‌های وارد شده را کاهش خواهد داد.

۶- به مصداق جمله حضرت علی (ع): «الناس بزمانهم اشبه بأبائهم»: شباهت مردم به محیط اجتماعی‌شان بیش تر از شباهت به صفات خانوادگی آن‌هاست، مددکاران اجتماعی و برنامه‌ریزان اجتماعی باید به کاهش آلودگی‌های محیطی که تأثیر سوئی بر شخصیت در حال تکوین کودکان دارد، اقدام کنند.

۷- عملی کردن قوانینی که به ضرورت توجه به کودک و حقوق وی اشاره دارد، هرچند دشوار است، تأثیرات چشم‌گیری در محافظت از کودک و فرایند رشد وی خواهد داشت.

۸- نظارت بیش تر خانواده‌ها بر امور مختلف فرزند خود از جمله: وضعیت تحصیلی، اخلاق و انضباط، رفت و آمدها، دخل و خرج، چگونگی گذران اوقات فراغت و برقراری ارتباط مستمر با مدرسه؛ چالش‌های فراروی رفتار کودک را کاهش می‌دهد.

بسیاری از تخلفات و ناامنی‌ها همین افرادی‌اند که به گونه‌ای افسار گسیخته در اجتماع جولان داشته، حتی با ابتدایی‌ترین موازین عرفی و عقیدتی آشنا نمی‌گردند. با توجه به این که براساس آمارها بیش تر کودکان خیابانی در سنین دوره راهنمایی و بین ۱۲ تا ۱۷ سالگی قرار دارند و این دوره، دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است، هر گونه نقصان و اضمحلال در دوره نوجوانی (دوره انتقال)، فرایند رشد و تکامل آتی فرد را با چالش‌هایی مواجه خواهد ساخت. اینان در طی این دوره با شرایط خطرناکی در اجتماع روبه رو می‌شوند و به بلوغ می‌رسند. آن‌ها در معرض اعتیاد، سرقت، انحرافات جنسی، بیماری‌های مزمن و مرگبار، ایدز، خودکشی، قتل و درگیری‌های خشونت بار، قطع عضو و معلولیت قرار گرفته، آن را توسعه می‌دهند و پس از آن که به بلوغ برسند، مجرمان خطرناکی خواهند شد.

همچون بسیاری از مسائل دیگر، بحث پیشگیری، بهترین راه درمان و رفع معضل کودکان خیابانی است. بی‌گمان پدیده‌های اجتماعی در بسترهای خاصی به وجود می‌آیند و در همان بسترها رشد می‌یابند. از این رو شناخت علل به وجود آورنده معضل کودکان خیابانی، بهترین راه حل است. در ذیل به ارائه راه‌کارهایی در این زمینه پرداخته شده است.

### پیش‌نهادهای راه‌کارها:

۱- از آن جا که توانمندسازی خانواده‌ها (در ابعاد آموزشی، تربیتی، عقیدتی، فرهنگی و اقتصادی) نقش مؤثری در مهار شمار کودکان خیابانی و رفتارهای انحرافی نوجوانان دارد، لازم است به ارائه مدل‌های جدید از رهیافت‌های علمی و عملی که در این موارد حاصل شده‌اند، بپردازیم.

۲- با توجه به این که خانواده‌هایی که از نظام حمایتی خارج از خانواده برخوردار نبوده، دچار انزوای اجتماعی‌اند گرایش بیش تری به کودک آزاری (آزار جسمی، جنسی، عاطفی و آموزشی) و رفتار نادرست دارند، بهتر است اجتماع به این خانواده‌ها بیش از پیش توجه داشته باشد.

۳- از دید بسیاری از جامعه‌شناسان، همچون چارلز هورتن کولی، هربرت مید، بلومر و اکثر نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین‌گرایی و جامعه‌پذیری، خانواده اولین و مطلوب‌ترین مثال برای گروه‌های نخستین و مهم‌ترین مرحله جامعه‌پذیری فرد است، از این رو لازم است

تربیت، سال هفتم، شماره هفتاد و هفتم، ۱۳۸۰.  
- صالح، علیرضا: بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شناختی، رفتاری و اجتماعی کودکان خیابانی و شبانه‌روزی شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی عمومی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.

- علیمی، نصرت‌الله: امنیت اجتماعی و منبع آن، نشریه جامعه سالم، دوره چهارم، شماره ۱۹، ۱۳۷۳.

- قاسم‌زاده، فاطمه: کودکان خیابانی، زخمی بر پیکر شهرها. نشریه جامعه سالم، شماره ۳۹، ۱۳۷۷.

- نجم عراقی، لعلیا: دنیای رنگارنگ کودکان خیابانی، سایت خبری روزنامه اعتماد، ۱۳۸۲.

- تکدی‌گری، آسیب کهنه اجتماع ما، سایت خبری روزنامه کیهان، ۱۳۸۲.

- ADEGANHA, L. (2003) . STREET CHILDREN IN BRAZIL: CAUSES OF THE STREET CHILDREN PHENOMENON AND CAUSES OF THE VIOLENCE AGAINST THEM. DISSERTATION ABSTRACTS INTERNATIONAL: SECTION A , VOL 41(1-A) .P : 102.

- AIDAN, M.(1997) . STRESS AND COPING STRATEGIES AMONG STREET CHILDREN IN LUSAKA. JOURNAL OF PSYCHOLOGY IN AFRICA , VO12, PP: 24-33.

- ALDERFER, W.(2003). STREET CHILDREN OF DEHLI, INDIA: THEIR TODAY , THEIR HOPES FOR TOMORROW. DISSERTATION ABSTRACTS INTERNATIONAL: SECTION A , VOL 63(8-A), P : 3002.

- BEAZLEY , H.(2003) . VOICES FROM THE MARGINS: STREET CHILDRENÉ S SUBCULTURES IN INDONESIA. CHILDRENÉ S GEOGRAPHIES . VOL 1(2) , PP : 181-201.

- CHAKRABORTY, K.(2003) VISION: STREET CHILDRENÉ S THOUGHTS AND PERCEPTIONS OF THE ENVIRONMENT. DISSERTATION ABSTRACTS INTERNATIONAL : SECTION A. VOL 4(3-A) , P: 703.

- KARNIK , N.(2003) . CATEGORIES HAVE CONSEQUENCES : STREET CHILDREN AS HUMANITRATION OBJECT. DISSERTATION ABSTRACTS INTERNATIONAL: SECTION A, VOL 64 (3-A). P : 1084

- LALOR, K.(1999) . STREET CHILDREN : A COMPARATIVE PERSPECTIVE . CHILD ABUSE AND NEGLECT. VOL 23, N8, PP: 759-770.

- OCHOLA, L. ( 1995). STREET CHILDREN IN KENYA: A STRATEGY FOR INTERVENTION. SOUTHERN AFRICAN JOURNAL OF CHILD AND ADOLESCENT PSYCHIATRY. VOL7 (2) , PP:89-93.

- SULLIVAN, T.(2003). THE GROWTH STATUS OF GUATEMALAN STREET CHILDREN. DISSERTATION ABSTRACTS INTERNATIONAL: SECTION A . VOL 63(5-A) , P : 184.

- SMITH, C.S.(1997). THE LIFE WORLD OF STREET CHILDREN IN THE DURBAN METROPOLITAN AREA. DISSERTATION ABSTRACTS INTERNATIONAL SECTION A . VOL 58(3- A) , P: 743.

- TRUSSELL, R.(1999). THE CHILDRENÉ S STREETS: AN ETHNOGRAPHIC STUDY OF STREET CHILDREN IN CIUDAD JUARAZ, MEXICO. INTERNATIONAL SOCIAL WORK. VOL 42(2) , PP : 189 - 199.

۹- باید دقت کافی و وافی در انتخاب محیط زندگی و محل سکونت خانواده به عمل آید؛ به ویژه برای خانواده‌هایی که نابسامانی‌ها و تنش‌های بسیار زیادی در خود دارند.

۱۰- هماهنگی بین برنامه‌های نهادهای مختلف و جلوگیری از گسست بین مؤسسات حمایتی و خدماتی، نقشی حساس و در عین حال کارادر کاهش بی‌برنامگی‌های اجتماعی دارد.

۱۱- در مجموع، برای پیشگیری و عدم گسترش پدیده کودک خیابانی باید سه اولویت، یعنی: در نظر گرفتن عموم مردم، توجه به افراد در معرض خطر و توجه به کودکان را مد نظر داشت، و سپس اقدامات مداخله‌کننده و اصلاح‌گرانه را انجام داد.

امید است در سایه هماهنگی و همکاری خانواده و اجتماع شاهد حذف یا کاهش پدیده کودکان خیابانی باشیم.

## سپاس‌گزاری:

بدین وسیله از جناب آقای احمد محمدپور دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز که در تدوین مباحث جامعه‌شناختی مقاله نویسندگان را یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- KARNIK
- 2- BEAZLEY
- 3- SECURITY
- 4- STREET CHILDREN
- 5- CHILDREN ON STREET
- 6- OCHOLA
- 7- SMITH AT ALL
- 8- AIDAN
- 9- LALOR
- 10- TRUSSEL
- 11- ADEGANHA
- 12- ALDERFER
- 13- CHAKRABORTY
- 14- SULLIVAN

منابع:

- احدی، حسن، احمدی، احسان و جعفری، شیمیا: کودکان خیابانی، مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه دیدگان و راه کارهای پیشگیرانه، ۱۳۸۲.

- احمد خانیها، حمیدرضا، ترکمن‌نژاد، شریف و حسینی مقدم، محمد مهدی: همه‌گیرشناسی افسردگی و سوء استفاده جنسی در کودکان خیابانی، فصل نامه اندیشه و رفتار، سال هشتم، شماره ۱، ۱۳۸۱.

- زارع مهرجردی، مرضیه: نگاهی به کودکان خیابانی، نشریه اصلاح و